



## منابع گمشده جوامع الحکایات

جوامع الحکایات اثر سدیدالدین محمد عوفی، نویسنده قرن هفتم، از کتبی است که همواره مورد توجه و استناد نویسندگان بوده<sup>۱</sup> و درصد باب این مجموعه عظیم آنقدر فواید بیشمار تاریخی و اجتماعی و ادبی و لغوی وجود دارد که شایسته است بدان دائرة المعارف زبان فارسی گفته شود. تاکنون از منابع این کتاب که مسلماً بیش از نود و سه<sup>۲</sup> مأخذی است که نویسنده بنام آنها استناد کرده سی و هفت اثر شناخته شده است و این مقاله اختصاص به - نام کتبی دارد که نامشان بجای مانده و خودشان بدست ما نرسیده اند بدین شرح:

۱ - اخبار برامکه . قریب یک قرن ونیم بعد از سقوط برمکیان ابن الندیم<sup>۳</sup> در شمار آثار مرزباننی (متوفی بسال ۳۷۸ هجری) که معاصر با اوست اخبار برامکه را هم ضبط کرده است و می نویسد «اخبار برامکه دارای پانصد ورق است» ولی در جوامع الحکایات نام نویسنده این اثر ذکر نشده و از سی و چهار قصه ای که در باب این خانواده روایت شده تنها در سه مورد (باب پنجم و نهم از قسم دوم و باب چهاردهم از قسم سوم) نام اخبار برامکه بعنوان مأخذ برده شده است.

مسلم است که عوفی با آثار مرزباننی آشنائی داشته و از آنها استفاده کرده است از جمله از کتاب دیگر او بنام الشباب الشیب هم در جوامع الحکایات نام برده و بعید نیست که اخبار برامکه ای که نام می برد همین کتاب باشد. نیز حاج خلیفه در کشف الظنون<sup>۴</sup> کتابی به همین نام به ابن الجوزی (متوفی ۵۹۷ هجری) نسبت داده است که ظاهراً این یکی هم از بین رفته است.

\* بانو دکتر امیربانو مصفا (کریمی) استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

تهران. از بانوان دانشمند معاصر.

۲ - ادیان العرب - در باب اول از قسم اول جوامع الحکایات در باب مسلمان شدن عمران بن الحصین حکایتی آمده است که مأخذش ادیان العرب نام دارد. به حدس و گمان می توان گفت که نویسنده این کتاب هشام بن محمد بن السائب بن بشیر الکلبی پسر کلبی مفسر بوده است. الفهرست<sup>۵</sup> نام این کتاب را در شمار آثار هشام کلبی ذکر کرده همچنین احمد زکی پاشا که کتاب الاهنام هشام بن کلبی را چاپ کرده است در شمار آثار مؤلف نام این اثر (ادیان العرب) را هم آورده است.

۳ - تفسیر ابن الکلبی - عوفی دوبار نام این تفسیر را در کتاب خود آورده است، یکی در باب اول از قسم اول که دوتن از اجبار یهود از شام به مدینه بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم رسیدند و اسلام آوردند و دیگر در باب بیست و چهارم از قسم چهارم که شرحی در باب اصحاب الرس و عنقای مغرب نوشته.

این کتاب متأسفانه از بین رفته و تنها قسمت هائی از آن در ضمن آثار زمخشری و طبری و بقوی بجای مانده است.<sup>۶</sup>

۴ - تاریخ بغداد - در باب دهم از قسم چهارم داستانی است از شیفتگی محمد بن عبدالرحمان ثابت باین مضمون که وی از ری به مدینه السلام رفت بدختری دل بساخت و چون کام نیافت به زهد و اعتزال گرائید و از زهاد مشهور گشت. عوفی مأخذ را تاریخ بغداد نوشته است و ظاهراً این تاریخ بغداد غیر از تاریخ مدینه السلام خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ هـ) و تاریخ بغداد نوشته ابوالفضل احمد بن ابی طاهر طیفود بغدادی (متوفی ۲۸۰ هـ) جلد خطیب است زیرا که داستان بالا در هیچکدام ازین دو کتاب نیامده است. همچنین در مصارع العشاق ابویوسف محمد جعفر بن احمد معروف به ابن سراج هم (متوفی ۵۰۰ هـ) که داستانها را از مأخذ مختلف و از جمله خطیب بغدادی نقل کرده است این داستان دیده نشد. باین ترتیب مأخذی که عوفی بنام تاریخ بغداد نام برده است ناشناخته می ماند.

۵ - تاریخ ترکستان یا تاریخ ماوراءالنهر<sup>۷</sup> - ازین کتاب دوبار در قسم چهارم (بابهای هفتم و هفدهم) جوامع الحکایات یاد شده و آن تاریخی بوده است درباره سرزمین ماوراءالنهر یا ترکستان نوشته شرف الزمان مجدالدین محمد بن عدنان سرخکنی خال سدید عوفی. پروفیسور بازتولد در کتاب ترکستان نامه از طریق جوامع الحکایات ازین اثر نام برده است.

۶ - تاریخ خراسان - این کتاب به تصریح ابن فندق<sup>۸</sup> و ثعالبی<sup>۹</sup> و ابن خلکان<sup>۱۰</sup> و ابن اثیر<sup>۱۱</sup> و بازتولد<sup>۱۲</sup> و دهخدا<sup>۱۳</sup> و حاجی خلیفه<sup>۱۴</sup> و نظام الدین<sup>۱۵</sup> از ابوالحسین علی بن احمد بیهقی نیشابوری مشهور به سلامی است. جوامع دوبار ازین کتاب نام برده است یکی در ذکر حال احمد عبدالله خجستانی و گرفتاری مادر این امیر بدست عباس القطان و

بالاخره کشته شدن او<sup>۱۶</sup> و دیگر داستان انتقام احمد ابواهمیم دوستدار رافع هرثمه از ابو-  
سعید درغانی والی خوارزم<sup>۱۷</sup>.

البته عوفی از نام نویسنده تاریخ خراسان سخنی نگفته است اما مشابَهاتی که بین قول  
او (در دو داستان مذکور) با آنچه ابن اثیر و ابن خلکان درین باب نوشته اند و تصریح ابن  
خلکان بنام سلامی راوی ابن وقایع انتساب تاریخ خراسان را بدو مسلم می سازد. در تمام  
ابواب جوامع قریب شصت حکایت از تاریخ طاهریان، صفاریان و سامانیان نقل شده  
است که با احتمال قوی بیشتر آنها را می توان منسوب بهمین تاریخی دانست که امروز در دست  
نیست و به تاریخ ولات خراسان اثر ابوعلی حسین بن احمد بن محمد سلامی بیبقی خواری  
(متوفی ۵۳۰۰ هـ) مشهور بوده است.<sup>۱۸</sup>

۷ - تاریخ مشایخ خراسان - ازین تاریخ فقط يك بار در جوامع یاد شده است و  
می توان حدس زد که این اثر غیر از تاریخ خراسان سلامی است.

« در تاریخ مشایخ خراسان ذکر احمد خضرویه بلخی رحمة الله علیه، سطور است و او شاگرد  
ابوسلیمان دارانی بود و از بزرگان عهد بود و او را کرامات بوده است و بخدمت شیخ  
ابوحفص حداد رحمة الله علیه پیوست به نیشابور و به خانقاه او درآمد و به سرچاه رفت  
تا آب طهارت بر کشد، ناگاه دلو در چاه افتاد. مریدان ابوحفص در سراوی انکار کردند و او  
بباطن آنرا مشاهده کرد پیش شیخ ابوحفص رحمة الله علیه آمد و گفت شیخ يك بار فاتحه  
بخواند تا آن دلو از چاه بر آید. شیخ ازین سخن متأثر شد. احمد خضرویه رحمة الله علیه  
گفت اگر شیخ نمی خواند اجازت دهد تا من بخوانم. گفت بیاید خواند. شیخ احمد خضرویه  
رحمة الله علیه دل حاضر کرد و از خود غایب شد و يك بار فاتحه بخواند همین که به سرچاه  
آمد دلو به سرچاه آمده بود.....<sup>۱۹</sup> »

با احتمال قوی این تاریخ باید متعلق به ابوعبدالله محمد بن عبدالله الحاکم نیشابوری  
متوفی ۴۰۵ هجری قمری باشد. حاج خلیفه از قول ابن سبکی<sup>۲۰</sup> که این تاریخ را دیده  
است می نویسد « و هو التاريخ الذي لم تر عینی تاریخاً اجل منه و هو عندي سيد الكتب الموضوعه  
للبلاذ فاکثر من يذكره من اشياخه او اشياخ اشياخه<sup>۲۱</sup> »

در تذکرة الاولیاء<sup>۲۲</sup> هم ضمن شرح حال احمد خضرویه شیخ عطار همان کرامت ها را که عوفی  
نقل کرده ذکر می کند. با احتمال بنده یکی از مآخذ عطار همین تاریخ حاکم نیشابوری است.  
۸ - تاریخ تاجی - کتابی است در تاریخ دیالمه و پادشاهی عضدالدوله تألیف  
ابواسحاق بن هلال الحرانی الصابی (متوفی ۵۳۸۴ هـ) که با مرعضدالدوله و بنام او که تاج -  
المله لقب داشت بنام تاریخ تاجی<sup>۲۳</sup> برشته تحریر درآمد و خود شاهنشاه در تدوین آن  
نظارت تام داشت و مطالب را به سلیقه خویش اصلاح و کم و زیاد می نمود. معروف است

روزی صابی بیکی از دوستانش که گفته بود بچه کاری مشغولی پاسخ میدهد: «باطیلی می نویسم و دروغهایی سرهم می کنم» (زیرا که صابی را عضدالدوله دوست نمی داشت و هنگام فتح بغداد او را که در دستگاه عضدالدوله بختیاد بود و از جانب خلیفه بارها نامه های تند به عضدالدوله نوشته بود بزندان انداخت و بشفاعت جمعی که گفته بودند دروغ است دانشمندی همچون صابی در زندان باشد آزادش کرد مشروط بر این که تاریخی در مآثر آل بویه بنویسد) این جواب و سخنانی نظیر آن بارها عضدالدوله را بخشم آورد. بعدی که وقتی می خواست او را زیر پای پیل بیندازد ازین کتاب ابن مسکویه در تجارب الامم و یاقوت در ایشادالادیب و ابن خلکان در وفيات الاعیان مطالب بسیاری نقل کرده هر چند که همه این نویسندگان تاریخ تاجی را از زبان خود مؤلف (صابی) به انبان پراز دروغ تشبیه کرده اند تاریخ تاجی تا قرن هفتم یعنی زمان ابن خلکان در دست بوده است ولی گویا صاحب کشف الظنون آنرا ندیده باشد چونکه از قول ابن خلکان نشانی های آنرا می نویسد.

در جوامع الحکایات بیست و دو حکایت از دیلمیان موجود است که از میان همه تنها یک حکایت «در باب علت کور شدن خلیفه المستکفی بدست احمد بویه» از تاریخ تاجی نقل شده است. ۲۴

۹ - کتاب خلق الانسان و خلق الانسان از امام بیان الحق محمود بن احمد نیشابوری عوفی در باب الالباب می نویسد: «چون به مصنف خبر رسید که در سرزمین مغرب تفسیری ساخته اند پنجاه مجلد، او در معنی یک آیت که آفریدگار می فرماید «و فی انفسکم الا لا تمهرون» ۲۵ صد دفتر تألیف کرد، پنجاه در خلق انسان و پنجاه در خلق انسان» ۲۶ جوامع الحکایات هشت حکایت از این کتاب با قید نشانی نقل کرده است. معلوم نیست که متن کتاب فارسی بوده است یا عربی اما احتمال دارد که نویسنده هنگامی که به دربار بهرامشاه غزنوی پیوسته است (۵۱۱-۵۵۲) آنرا بزبان فارسی نوشته باشد. از جوامع الحکایات بر می آید که کتاب خلق الانسان در بیان طبیعت انسان و خصوصیات جسمانی و نفسانی اوست.

۱۰ - خواص الاشیاء - این رساله که در خواص طبی و داروئی اشیاء بوده به شرف الزمان مجدالدین محمد بن عدنان سرخکتی تعلق داشته است. وی طبیب دربار سلطان قلیچ طمناج خان ابراهیم بن حسین حاکم سمرقند و دانی عوفی است که تاریخ ترکستان هم از اوست ۲۷ و متأسفانه امروز این هر دو کتاب در دست نیست. از حال مؤلف شرح مختصری در لباب الالباب ۲۸ مسطور است.

عوفی نسخه ای از این کتاب را استنساخ کرده و اطلاعات فراوانی از مطالب آن در دست داشته است. در جوامع حکایاتی از مجلس سلطان نصره الدین عثمان ارسلان خان می آورد که «همه در معنی این بیت منصور منطقی

بسان مرد ایرانی به تبت به باغ اندرگلی بشکفت خندان

حیران مانده بودند و نمی دانستند که چرا مرد ایرانی در تبت به خنده میفتد من که در کتاب خواص الاشیاء مجدالدین عدنان خاصیت حجرالباهت را خوانده بودم مشکل را حل کردم و باعث اعجاب فراوان حاضران شدم<sup>۲۹</sup>». خواص مربوط به این سنگ را مقدسی و زکریای قزوینی هم در آثار خود ذکر کرده اند.

کتاب خواص الاشیاء حتماً در تدوین باب بیستم قسم چهارم جوامع که در خواص طبیعی اشیاء آمده مورد استفاده کامل قرار گرفته است و خوشبختانه قسمت کوچکی از آن بدین طریق از دستبرد زمان محفوظ مانده است.

۱۱ - دستورالوزراء - صاحب جوامع الحکایات این کتاب درابه سلطان رضی الدین ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی ملقب به ظهیرالدوله که از سال ۴۵۱ تا ۴۹۲ حکومت داشته نسبت داده است. ازین کتاب در هیچکدام از آثار معاصر عوفی نامی نیامده تنها جوامع در باب سیزدهم<sup>۳۰</sup> از قسم سوم «در مذمت فظاظت و درشت خوبی و مدح رفق و نرم ساری يك داستان از کتاب دستورالوزراء سلطان رضی الدین ابراهیم آورده است متأسفانه باهمین يك شاهد نمی توان از ارزش کتاب سخنی گفت اما از نوشته های طبقات ناصری و تاریخ بیهقی برمی آید که این سلطان رضی بحسن اداره مملکت اهتمام فراوان داشته و باید این کتاب را در نصیحت به وزیر خویشت نوشته باشد. غیر از دو کتاب مذکور در همین جوامع از خلال چند حکایتی که بدون ذکر مأخذ درباره سلطان رضی الدین ابراهیم آمده سیمای این سلطان و بلند همتی و اهتمام او، مجسم میشود<sup>۳۱</sup>.

۱۲ - دای آدای - نام ترجمه ایست که ذخرالدین محمد بن محمود بیان الحق نیشابوری از غرر و سیر ثعالی بفارسی کرده است و عوفی در لباب الالباب<sup>۳۲</sup> و جوامع الحکایات<sup>۳۳</sup> از او نام برده. این کتاب را صاحب هفت اقلیم رأی جهان آرای و حاج خلیفه رأی آرای ضبط کرده است. بقول عوفی در لباب الالباب<sup>۳۴</sup> صاحب رأی آرای از برجستگان دربار بهرامشاه غزنوی بود که به اردوی سنجر در قنیا باد رفت و به نمایندگی از جانب بهرامشاه به مذاکره بنشست و این رباعی را نیز از قول بهرامشاه در مدح سنجر بخواند.

گر آب دهی نهال، خود کاشته ای

و رپست کنی بنا، خود دافراشته ای

من بنده همانم که تو پنداشته ای

از دست میفگنم، چو برداشته ای

نیز لباب الالباب نام دواثر دیگر او «تفسیر بصا نویمینی»<sup>۳۵</sup> و صحیفه الاقبال<sup>۳۶</sup> را ذکر می کند که امروز این هر سه کتاب مفقود است. البته چون عوفی در باب سلاطین قدیم ایران، از اصل غرر و سیر هم استفاده کرده است و به ندرت از رأی آرای نام برده نمی توان اندازه بهره او را از این کتاب معلوم کرد.

۱۳ - کتاب الشباب و الشیب - اثر ابو عبیدالله محمد بن عمران بن موسی بن سعید عبیدالله

مرزبان‌ی است<sup>۳۷</sup> (متوفی ۳۷۸ یا ۳۸۴) که تنها قسمت مختصری از اصل آن که بقول ابن‌الندیم<sup>۳۸</sup> در سیصد صفحه بوده است در باب پانزدهم قسم چهارم جوامع الحکایات بنام «در اعمار حیوانات و ذکر طول و عرض آن» باقی مانده است و بیشتر راجع به جماعتی است که به درازی عمر مخصوص بوده‌اند. عوفی می‌گوید «ابو عبدالله محمد بن عمران المرزبان‌ی کتابی تألیف کرده است در شباب و شیب و اسامی جماعتی که ایشان به درازی عمر مخصوص بوده‌اند در آنجا آورده و ذکر این جماعت از کتاب الشباب و الشیب نبشته آمد و ارباب فضل دانند که این ذکر از فایده‌ای خالی نیست و رأی عالی ملک الوزرایی را معلوم باشد که این دعاگوی در چندین دریا غوص کرده است<sup>۳۹</sup>».

مسلماً مقتدای مرزبان‌ی ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی است (متوفی ۵۲۵هـ) که کتابی درباره‌ی معمرین نوشته. گلدزیهر که معمرین ابوحاتم را چاپ کرده است (لیدن ۱۸۹۹) ذکر می‌کند که مرزبان‌ی نکرده بلکه به اثر جدیدتری موسوم به الشهاب فی الشیب و الشباب اثر شریف مرتضی که (متوفی ۵۴۳هـ) اشاره کرده است به گمان وی شریف مرتضی نام کتاب خود را از الشباب و الشیب ابو بکر بن خبیر گرفته است ولی مرحوم دکتر نظام‌الدین معتقد است که این نام مأخوذ از کار مرزبان‌ی است<sup>۴۰</sup>.

۱۴- طبایع الحیوان - یکی از منابع عوفی در تاریخ طبیعی این کتاب است که از نویسنده و محتویات آن اطلاع قلیلی در دست است. مؤلف آن شرف‌الزمان طاهر مروزی که طبیب دستگاه ملک‌شاه سلجوقی است. جوامع از این کتاب با تصریح به نام نویسنده مطالبی نقل کرده است از جمله دو داستان که تاریخ و وقوعش سالهای ۴۴۸ و ۴۷۸ بوده است<sup>۴۱</sup>.

۱۵- کتاب الفراسه - نام این کتاب چهار بار در جوامع الحکایات ذکر شده است منتها از نویسنده سخنی نیامده. در باب یازدهم از قسم اول «در فراسه اشخاص برجسته» افلیمون<sup>۴۲</sup> یا فیلامون را واضع این علم دانسته و در تلود استانی مطول آورده است که افلیمون از مشاهده تصویر بهراط مزاج او را شهوانی یافت<sup>۴۳</sup> عوفی می‌نویسد که این کتاب را فلاسفه یونانی نوشته‌اند. ابن‌القفطی<sup>۴۴</sup> می‌نویسد رساله افلیمون که راجع به قیافه شناسی است به عربی ترجمه شده لکن نامی از مترجم نبرده است. کشف الظنون درین علم کتابی به امام فخر رازی نسبت می‌دهد که متکی به کتاب اسطو است<sup>۴۵</sup> و فلوگل در یادداشت‌هایش بر الفهرست او را با Polemon منطبق کرده است.

### مأخذی که در تهیه این مقاله مورد استفاده بوده است

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اعلام زرکلی.
- ۳- تاریخ بیهق مصحح مرحوم بهمن‌یار.
- ۴- ترجمه اخبار الحکماء القفطی به کوشش خانم دکتر دارائی.
- ۵- ترکستان نامه ترجمه کریم کشاورز.



- ۱۹- جوامع الحكايات باب سوم از قسم اول ص ۲۱ الف نسخه عكس از روی نسخه خطی كتابخانه ملی پاریس به شماره ۹۵ مورخ سال ۷۱۷ هجری.
- ۲۰- این ابن سبکی که همه جا به سبکی مشهور است تاج الدین پسر تقی الدین سبکی شیخ الاسلام است (اعلام زرکلی) وحاج خلیفه اورا باسم پدر خوانده است.
- ۲۱- كشف الظنون جلد اول ص ۳۰۸.
- ۲۲- تذكرة الاولیاء ص ۲۹۱ و ۲۹۴.
- ۲۳- الفهرست ص ۱۴۹- و فیات الاعیان ج ۱ بیوگرافی شماره ۱۵، شاهنشاهی عضدالدوله تألیف آقای علی اصغر فقیهی ص ۱۷۳.
- ۲۴- جوامع الحكايات نسخه عكس از روی نسخه خطی كتابخانه ملی پاریس به شماره ۹۵ باب پنجم از قسم اول ص ۶۹ ب.
- ۲۵- ذاریات آیه ۲۱.
- ۲۶- لباب الالباب ص ۲۳۳.
- ۲۷- تعلیقات مرحوم قزوینی بر لباب الالباب ص ۶۰۰.
- ۲۸- لباب الالباب ص ۱۵۴.
- ۲۹- جوامع نسخه عكس شماره ۹۵ باب بیستم از قسم چهارم.
- ۳۰- جوامع الحكايات چاپ بنیاد فرهنگ ایران جلد دوم
- ۳۱- در باب هفتم از قسم اول دو حکایت و در باب بیست و یکم از قسم اول يك حکایت.
- ۳۲- لباب الالباب ص ۲۳۳.
- ۳۳- جوامع نسخه خطی شماره ۹۵ باب چهارم از قسم اول.
- ۳۴- كشف الظنون جلد اول ص ۸۳۱.
- ۳۵- كشف الظنون الصائری فی التفسیر ص ۲۴۶.
- ۳۶- منظومه فارسی است در معارضه سیف و قلم. حاج خلیفه ص ۱۰۷۶.
- ۳۷- برای شرح حال او رجوع کنید به انساب سمانی، الفهرست ص ۱۴۸، و فیات الاعیان جلد چهارم بیوگرافی شماره ۶۴۷.
- ۳۸- الفهرست ص ۱۴۸.
- ۳۹- جوامع الحكايات نسخه عكس باب پانزدهم از قسم چهارم.
- ۴۰- Introduction to the Jawamiul - Hikayat P. 65.
- ۴۱- جوامع الحكايات نسخه عكس قسم چهارم. باب های چهاردهم، هفدهم و بیست و یکم.
- ۴۲- الفهرست افلطیمون ضبط کرده است ص ۳۴۵.
- ۴۳- همین مطلب در اخبار الحکما - طبقات الاطبا - عجائب المخلوقات هم آمده.
- ۴۴- اخبار الحکما. شرح حال افلیمون.
- ۴۵- كشف الظنون ج ۲ ص ۱۴۴۵.